



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِهِ نَسْتَعِينُ إِنَّهُ خَيْرُ نَاصِرٍ وَمَعِينٍ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ وَآلِهِمَا الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ أَبَدَ الْأَبَدِينَ

روش برگزاری اعیاد الهی و مجالس سرور اهل حق

سؤال: ما در ایام عید و شادی محمد و آل محمد علیهم السلام هستیم، در کلام خاندان وحی علیهم السلام نیز فضیلت عید گرفتن توصیه شده است، می خواستم راهنمایی بنمائید که چگونه مجلس شادی و سرور بر پا کنیم که منظور نظر حضرت حق باشد؟ نحوه درست برپایی مجلس سرور؛ و روش صحیح شاد نمودن اهل حق چگونه است؟

جواب:

۱- شخص عارف و دانا، در دریافت حقایق و معارف و نیز پیاده نمودن تعالیم نورانی به دنبال رهنمود و هدایت حقانی بوده، نه اینکه بر اساس سلیقه و عادت و میل و هوای خویش؛ یا عوام (قوم و قبیله و شهر و ملت و کشور)؛ معارف را تفسیر کرده یا عملش را تطبیق کند.

بسیاری که خود را پیرو مذهب حق می دانند؛ ممکن است عناوین مسائل را از شرع بگیرند؛ ولی تعیین کننده مصداق و تفسیر و چگونگی این عناوین نزد آنها؛ همانا سلیقه و مذاق و عادت خودشان یا قومشان می باشد، دستور العمل عید گرفتن و جشن و ادخال سرور را از دین گرفته؛ ولی اینکه این عید گرفتن یا جشن یا ادخال سرور چگونه باشد؛ این را به سلیقه خودشان عمل می کنند، این روش نوعاً با خطا و انحراف قرین است.

شخص روشن و آگاه؛ همواره سعی می کند که همه تفصیل را از این حق بگیرد، و ملاحظه میل و عادت خود و دیگران را نکرده بلکه آنها را بر اساس این حق تصحیح نماید، همچنانکه از سؤال شما بر می آید، و از این رو بوده است که تفصیل روش و نحوه جشن و عید گرفتن و ادخال سرور را پرسیده اید.

۲- بسیاری غرایز و رغبتها و نیازها در آدمی هست که بطور کلی مذموم نبوده، بلکه نحوه تأمین و تحصیل آن است؛ که می تواند با بکارگیری روشی نادرست؛ تباه کننده و مذموم بوده، و می تواند با بکار بستن روش صحیح؛ رشد آفرین و ممدوح باشد، مانند غریزه خوردن و نوشیدن، و نگاه و تفریح و مباشرت و انس حالی و کلامی و شادی و شادمانی و وجد و

ذوق...، که همه آنها به حکمت الهیه در انسان تعبیه شده و نفی کلی آن خلاف تقویم احسن است، این غرایز و رغبتها و نیازها اگر به هدایت نورانی وحی بکارگرفته شوند؛ می تواند شخص را ضمن ارضای رغبت و تأمین نیاز؛ در اوج رشد و کمال نیز برد، همچنانکه بر خلاف آن؛ با لجام گسیختگی یا پیروی هوای نفس یا تبعیت از گرایش خلق؛ موجب انحطاط و آسیب و هلاکت تن و جان انسان گردد، در هر دو قسم ارضای رغبت و غریزه شده، ولی یکی به بیماری تن و کدورت جان منجر شود، و دیگری به نشاط و رشد بدن و قوت روح و روان منتهی گردد، سرور و شادی و شادمانی نیز از همین قبیل است.

۳- شروع مجالس سرور و شادی اهل حق و روند برگزاری آن؛ همواره در جهت یاد حق و نورانیت و پاکی اهل حق باید باشد، و همه آنها با فضای فرح و انبساط خاطر و سرور و شادی و وجد و ذوق موافقت دارد، توهم اینکه مجالس دینی منحصر به تذکر غم و یا بیان مصایب است؛ صحیح نمی باشد.

۴- بجای آوردن اعمال عبادی مفصل این اعیاد بطور فردی؛ و انجام برنامه های مختصر این مناسبات در مجالس جمعی؛ همراه با اذکار تولا و تبرّا، بطور فردی و جمعی.

۵- برگزاری مجالس اعیاد برائت و یا برنامه های تبرّی در عموم مجالس دینی با ملاحظه اصل مهم رازپوشی و کتمان و تقيه انجام بگیرد، که با توجه به اختلاط مردم گوناگون و بارز نبودن نشانه های بیگانگی از ظاهر افراد، و تشابه لباس و رفتارهای عموم مردم؛ لزوم رعایت این امر و دقت در اجرای آن نیاز به تدابیر هوشمندانه و تلاشهای مجدانه است.

۶- برنامه مهم مجالس اعیاد: بیان کلام وحی و خازنان وحی عَلَيْهِمُ السَّلَامُ در معرفت بایسته و شایسته مربوط به آن مناسبت بوده، و نتیجه اش افزودن آگاهی و معرفت؛ و بالتبع ولایت و پیروی حاضرین نسبت به حضرات عَلَيْهِمُ السَّلَامُ باشد.

۷- خواندن اشعار حقانی؛ با نوای روحانی؛ و الحان ایمانی؛ و بکاربردن نغمه های روح انگیز؛ نه تنها اشکالی نداشته بلکه بسیار نیکو و مجابوده؛ بلکه از برنامه های این مجالس است.

۸- بیان نکات و ظرایف و لطایف پاکیزه و پیراسته؛ که ضمن رشد روشنائی و پاکی اهل مجلس؛ موجب شکفتگی و انبساط خاطر و فرح و شادی و سرور ایشان بشود؛ از نشانه های اینگونه مجالس است.

۹- خندانند و خوشحال کردن با مزاح و شوخی و نکته و لطیفه خودش هنری بسیار دقیق است، که سرمایه علمی و دانش و بینش گوناگون می طلبد، که برخی بر حسب استعداد ذاتی یا موروثی و برخی کسبی و تعلیمی آنرا دارا هستند، شخص فرح بخش باید افزون بر دانستن نکات و لطایف و ظرایف مفید و صحیح؛ مخاطب و مجلس و هنگام مناسب را نیز خوب بشناسد، که در صورت بکارگیری مهارت لازم؛ با کمتر تلاشی و کوچکترین نکته ای؛ مخاطب شکفته گشته و منبسط و مسرور می گردد، و این در صورت ضعف و عدم مهارت و قلت دانش و بینش است که: شخص برای خندانند مخاطب به تکلف مبتلا شده و با بکارگیری زشت و ناسره و استهزاء این و سخره آن؛ برای انبساط خاطر مخاطب دست و پا زده و تقلا می کند.

۱۰- باید بدانیم که طنز و شوخی و فکاهیات و مطایبات؛ یک رشته موضوع و مطلب نیست، بلکه یک نحوه ادای مقصود و یک نوع رساندن مطلب و یک روش بیان می باشد، با توجه به همین نکته است، که مهاجمین فرهنگی چه از ملحدین و بی دینان گرفته تا پوچ گرایان و انحطاط گرایان از این وسیله برای زیر سؤال بردن مقدسات و ارکان دین یا وهن و تخریب نمادهای محترم دینی همواره کمک گرفته، و هم اکنون نیز برای ضعیف کردن ایمان و اراده اهل ایمان از این رشته بسیار بهره می گیرند.

از گذشته تا به امروز؛ همواره یکی از روشهای نفوذ و تهاجم عقیدتی و فرهنگی به جوامع معتقد و پایبند؛ زبان طنز و لطیفه و ضرب المثل بوده است.

مثلا در میان مردم ایران که از ابتدای طلوع مکتب حق و جلوه گری سیمای نورانی اهل بیت علیهم السلام شیفته و دلبسته آن گردیده و پیشگام دلدادگی و پیروی حضرات معصومین علیهم السلام شدند، می بینیم که در دوره سلطه عمریان بجز از کشتارهای دسته جمعی شهرهایی چون سبزوار و قتل عامهای گروهی و شکنجه و آزارها و انواع اختناق و فشارهایی که در برخی موارد ناچار از کمان آیین حق گردیده، و گرایش خود را به عشق و پیروی مولا علیه السلام و خاندان پاک؛ در لباس طریقه های عرفانی؛ یا مذهبی که امامش همچون شافعی در ارادت به مولا علیه السلام و آل الله مشهور بوده؛ پوشانده اند، ولی چون دشمنان آگاه از این ارادت و پیروی مخفیانه ایرانیان بودند، لذا به کمان و عنوان اضطرابی تحت شرایط تقیه آنها راضی نشده؛ و چون هرگونه فشار و برخورد صریح موجب عمیقتر شدن رابطه مردم ایران به آیین حق می گردید؛ لذا دشمنان به روشهای غیر محسوس

روی آورده؛ و با استفاده از اموری چون طنز و فکاهی و ضرب المتل که زمینه رواجش در عامه ناس زیاد بوده، و به اقتضای میل طبع به فکاهیات موجب سرعت نقل و رواج آن گردیده، و از طرفی مطرح شدن به زبان شوخی مانع جدی تلقی شدن آن غالباً می شود، نقشه های شوم خود را دنبال کردند، برای اینکه بتوانند این ارادت و پیروی را بطور غیر محسوس یا سست نموده یا لا اقل از تقدس آن بکاهند.

نمونه های آن بسیار است، و نقل تفصیل آن خود ترویج این باطل و کمکی به این تهاجم عقیدتی و فرهنگی است، ولی به اشاره می گویم تا هم مطلب بهتر روشن شده و هم محذور نباشد، رواج ضرب المتلهایی مانند: خودت را به کوچه ... چپ زن، این برای ... تنبان نمی شود، یا ... کچل، این متلها در محیط ارادت به حضرت مولا علیه السلام و حضرت صدیقه طاهره علیها السلام و سایر خاندان پاک، و انتخاب این نامها از میان صدها نام متداول چیززی جز وهن و هدم مرموزانه معتقدات و مقدسات ایرانیان نیست، اگر اینها در محیط دشمنان متداول بود، طبیعی بوده و بر اساس عقیده باطلشان بود، ولی رواجش در میان ارادتمندان و پیروان بسیار حساب شده؛ و تن دادن ما مردم و عدم هوشیاری ما؛ بستر جریان این تهاجمات بوده است. چرا متداول نشده است، کوچه ضحاک چپ؟! که ایرانی نامسلمان و مسلمان از او بیزار است! یا کوچه خسرو یا پرویز چپ؟! همانکه نامه پیامبر صلی الله علیه و آله را پاره کرد و جسارتها نمود! یا نامی از دشمنان حق و اهل حق در آنها برده نشده است؟! این اقدام دشمن طبیعی است، ولی غفلت دوستان غیر طبیعی است.

اگر دقت نمایم اینگونه طنزها و منتلهای تهاجمی به معتقدات و مقدسات امروزه هم مرتباً تولید و نشر داده می شود، و با توسعه ارتباطات و تشدید تهاجم استکبار و کفار و بی دینان و دشمنان حق؛ حجم آن نیز بسیار افزایش یافته است، لذا بسیار باید هوشیار باشیم، تا مبادا ناخواسته در دام دشمنان خدا و دین و مولا و آیین حق افتاده و در زمره آنها باشیم (اعاذنا الله جميعاً).

۱۱- همچنین اگر به فکاهیات متداول امروزی نگاه کنیم، نوعاً یا آمیخته با الفاظ زشت و شنیع بوده، که با آن طهارت اخلاقی مردم را مورد هجوم قرار می دهند، یا بر اساس استهزا و سخره ضعفها و نقصهای واقعی یا وهمی دیگران؛ تألیف شده، و یا بر اساس ترویج جدایی و عداوت بین ملتها و اقوام و اقشار یک مملکت بوده؛ که همه اینها زمینه ساز گسستگی اقوام مختلف یک ملت برای تجزیه کشور یا تفرقه قلوب ملت آن بوده، یا دشمنی بین ملتها و کشورها را پی ریزی می کند.

۱۲- همواره انسان باید با نکته ای شکفته شود که: در ضمن انبساط خاطر؛ سطح آگاهی را نیز ارتقا دهد. لذا می توان گفتاری یا رفتاری را برای انبساط خاطر بکارگرفت، که خالی از ناسزا و فحش و الفاظ مستهجن و استهزاء طوایف

و اقوام بوده؛ و پیراسته از وهن مقدسات و ارزشهای دینی باشد، در ضمن اینکه لغو و پوچ هم نبوده، بلکه سطح آگاهی شنونده را نیز بالا ببرد.

مانعی ندارد که با مطالعه تعبیرات و محاورات لهجه های مختلف ضمن ارتقای دانش خود، بدون استهزاء و سخره صاحبان آن؛ شیرین کام و منبسط خاطر نیز گردید، کما اینکه می توان بر عکس با استهزاء و سخره لهجه غیر مأنوس؛ هم کمی خنده مصنوعی کرده و عوارض تدریجی سوء آنرا نیز مبتلا شد، که اولی مطلوب و دومی محذور است. یعنی یک ماده در دو قالب و روش متضاد قابل بکارگیری است.

۱۳- در این ایام و این گونه مجالس همانند سایر اوقات؛ مبدا به بهانه ایجاد انبساط خاطر؛ گفتاری یا رفتاری انجام بگیرد که سبب تحفیف و اهانت یا خجالت یکی از حاضرین یا سایر اهل حق بشود.

۱۴- هر چند مناسبات شادی و سرور حقانی و اعیاد اهل حق؛ لازمه اش خوشی و شادمانی است، ولیکن مؤمن اهل مراقبه دل، نبایستی از ذکر عظمت و جلال حق غافل شده؛ و بایستی در اوج فرح و شادی خود؛ در درون خود با توجهی به حق؛ اقیاد خود را اذکید نموده و از حضرتش بخواهد که این احوال او را غفلت نشمرد، و لذاست که توصیه فرمودند که بگوید: اللهم لا تمقتنا (بار الها ما را دشمن مدار).

۱۵- در اعیاد بزرگ (عید ولایت: غدیر، عید براءت: نهم ربیع) اگر حق تعالی از روی کرم و عطا بر بندگانش؛ به ملائکه خود می فرماید که: تا سه روز در نوشتن لغزشها دست نگه دارند، این جلوه ای از لطف و احسان اوست، نه اینکه بهانه نافرمانی و لجام گسیختگی است، بنده راستین حق در همین فرصتهاست که می تواند عبودیتش را به درگاه حق عرضه نماید، یعنی که حتی وقتی که کرام الکاتبین هم نمی نویسند؛ من دنبال نافرمانیت نبوده بلکه به دنبال بندگیت هستم، حق تعالی فرموده که: در این اوقات محرمات حلال می شود! بلکه توصیه های وارده (مانند آنچه گذشت) در جهت تعمیق و ژرفایی بیشتر پاکی و نورانیت بندگان خداست. توهم یا طرح این گونه برداشتها یا تفسیرهای غلط؛ ناشی از اذهان منکرین معارف و یا نفوس ضعیفه است؛ که می خواهند اصل این مناسبتها و فضایلش را زیر سؤال ببرند.

۱۶- پذیرایی حاضرین با انواع نوشیدنیها و خوردنیهای طیب و طاهر؛ از آداب مهمه این مجالس است.

۱۷- دادن صله (عیدی) و انعام و جایزه در این ایام و این مجالس، از توفیقات بزرگ معنوی بوده؛ که در سفارشها و توصیه های خاندان وحی عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بر آن بسیار تأکید شده است.

۱۸- در بیان خاندان وحی عَلَيْهِمُ السَّلَامُ آمده است که: هر روز که در آن خداوند را نافرمانی نکنی آنروز روز عید است، بجز از این ملاک، عید بزرگ ولایت (غدیر خم) و عید بزرگ براءت (نهم ربیع الأول) و سایر اعیاد ولایت (ایام میلاد حضرات و فتح و نصرت حق) و سایر اعیاد براءت (هلاک طواغیت و اضداد حق) در کنار روز جمعه و عید فطر و قربان؛ همه و همه از عیده‌های اهل حق می باشند.

والحمد لله رب العالمین